



محمد سالم حسنی

راه‌های دستیابی به صلح پایدار از منظر شهید مزاری



شهید وحدت ملی استاد شهید مزاری، یکی از رنج دیده‌ترین انسان‌های سرزمین بحران زده افغانستان است. وقتی می‌گوییم رنج دیده‌ترین، نه به این جهت است که او بیش از دیگران رنج دیده است. او از این جهت یکی از رنج دیده‌ترین‌های این خاک است که درک عمیقی از تحولات تاریخی افغانستان و رنج‌های تحمیل شده و ستم‌های روا داشته شده بر مردم افغانستان دارد. درست از همین رو با آن که بخش عمده زندگی او در جنگ گذشت؛ اما دغدغه اصلی او، همواره صلح، عبور از بحران و رسیدن به ثبات پایدار بوده است. او در زیر سایه نابرابری دیده به جهان گشود، تا اعماق تاریخ سیر کرد، در کوران حوادث زیست و در بطن ناجوان مردانه‌ترین واقعه، چشم از جهان فرو بست، بزرگ‌ترین رؤیایش، همزیستی، همدلی، برابری و آرامش بود. نگاه شهید مزاری به مبارزات انقلابی، نگاه سلبی و نفی‌گرانه که یک نگاه اثباتی است. دال مرکزی مبارزات شهید مزاری ثبات دائم، صلح پایدار در افغانستان با زیربنای عدالت اجتماعی است. شهید مزاری، هرگز اقدامی براندازانه علیه حکومت مجاهدین و نفی‌گرایانه نداشت و در همه جنگ‌های تحمیلی نقش مدافع داشت. او بحران موجود را ناشی از نگاه نفی‌گرایانه و انحصارطلبانه می‌دانست. شهید مزاری برای عبور از بحرانی که عزت ملت و استقلال و پیشرفت کشور را هدف قرار داده بود و رسیدن به صلح و ثبات پایدار، راه حل‌های اثباتی پیشنهاد می‌کرد. این نکته نیز لازم به ذکر است، بحرانی که امروز انسان افغانستانی را آزار می‌دهد، در زمان حیات شهید وحدت ملی استاد مزاری، به گونه‌ای دیگر در این مرز و بوم وجود داشت و از ملت و کشور قربانی می‌گرفت. بحران در هر دوره زمانی، با آن که تفاوت‌هایی با هم دارد، از جهات مختلف با هم

شبهت دارد. در هر دو زمان، صلح گمشده مردم و یک نیاز مبرم برای کشور است، عواملی که در آن زمان، بحران را تداوم می‌بخشید و صلح پایدار را دست نیافتنی می‌ساخت، هم اکنون نیز مانع رسیدن به این مأمول است.

در این نوشته، به برخی از راه‌حل‌های نظری و عملی شهید مزاری در راستای عبور از بحران و رسیدن به صلح پایدار در زمان حیات او اشاره خواهیم داشت و در پرتو آن راه‌حل‌ها، راه عبور از بحران کنونی کشور را نشان خواهیم داد.

الف. پذیرش واقعیت‌ها

زندگی مسالمت‌آمیز، بدون عاری بودن جامعه از اندیشه حذف، ناممکن است و جامعه عاری از اندیشه، بدون پذیرش واقعیت‌های متکثر میسر نیست. افغانستان، به جهت وجود تنوع قومی، مذهبی و زبانی یکی از کشورهای دارای شکل موزاییکی است. نادیده انگاشتن این تکثر و تنوع همواره منشأ مشکلات و تنازعات دوام‌دار و زمینه‌ساز وقوع فجایع زیانبار بی‌شمار بوده است. شهید مزاری، با درک این واقعیت، یکی از موانع مهم استقرار صلح پایدار عبور از بحران در کشور را نادیده پنداری این واقعیت آشکار می‌دانست. شهید مزاری در مناسبت‌های متعدد بر درک واقعیت‌های موجود در کشور تأکید کرده است. شهید مزاری به عنوان یک سیاست‌مدار واقع‌گرا، همیشه تأکید داشت که در منازعات افغانستان، جنگ راه حل نیست. او در مذاکره‌ها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌هایش همه طرف‌های درگیر را به واقع‌نگری دعوت می‌کرد و از آنان می‌خواست با درک واقعیت‌های موجود، به جای نفی همدیگر، راه پذیرش یکدیگر را در پیش گیرند. یکی از شاه بیت‌های معروف شهید مزاری: «حذف راه حل نیست»، مبین همین دیدگاه

و در حضور رسانه‌ها و مردم ارائه کرد. شهید مزاری، در واقع می‌خواست با اجرای انتخابات، اولین سنگ بنای دولت‌سازی مدرن در کشور را بگذارد. وی از طرف‌های درگیر مصرانه خواست، از خودخواهی، انحصارطلبی و نفی دیگران دست برداشته، به اراده ملت احترام بگذارند. شهید مزاری و جریان عدالت‌خواهی، به انتخابات نه به عنوان یک آرمان که به مثابه یک اقدام عملی جدیت داشت.

ج. حفظ وحدت ملی

شهید مزاری جنگ‌های داخلی در افغانستان و عدم دستیابی به یک راه حل همه شمول را خدشه‌دار شدن وحدت ملی می‌دانست. او با توجه به همین مسئله، حفظ و تقویت وحدت ملی را یکی از راه‌حل‌های اساسی برای نیل به ثبات و عبور از بحران بر می‌شمرد. شهید مزاری، حفظ وحدت ملی و یکپارچگی را تنها راه خروج ذلت و انکسار اجتماعی که آن روز دامن‌گیر کشور و مردم بود، معرفی می‌کرد. «فقط تقاضای ما این است که در این شرایط حساس، همبستگی و وحدت بیشتری داشته باشید تا از ثمرات خونی که در این راه داده‌ایم، بهره‌بردار کنیم و از این اسارت و از این ذلت بیرون بیاییم. هویت واقعی خود را به دست بیاوریم. اگر در این جا به دست آوریم در همه نقاط جهان سرفراز هستیم.»

راه‌حل‌های شهید مزاری و وضعیت کنونی

در شرایط کنونی که از یک سو، بحران دوامدار مانع استقرار امنیت سراسری، پیشرفت اقتصادی، اقتدار ملی، صلح پایدار و رفاه اجتماعی شده است و از دیگر سو، تلاش‌هایی برای برقراری صلح بیش از هر زمانی شدت گرفته است، راه‌حل‌های ارائه شده توسط شهید مزاری را بررسی و با شرایط کنونی امکان‌سنجی خواهیم کرد.

یک. صلح بر مبنای واقعیت‌های موجود

افغانستان امروز، با زمان حکومت قرون وسطایی طالبان و سال‌های اول فصل جدید، تفاوت‌های فراوانی دارد. قانون اساسی به عنوان مستحکم‌ترین وثیقه ملی از سوی حکومت و

واقع‌نگرانه او است. شهید مزاری از همگان می‌خواست، تکثر قومی و نژادی در افغانستان را به رسمیت بشناسند. شهید مزاری بارها تأکید کرد: «ما مردم افغانستانیم هیچ نژادی را نمی‌خواهیم نفی کنیم. ترکمن است، هزاره است، تاجیک است، افغان است، ایماق است و دیگر اقوام هستند. همه آن‌ها بیایند در این مملکت برادروار زندگی کنند و هر کس به حقوق‌شان برسند و هر کس درباره سرنوشت خودش تصمیم بگیرد. این حرف ما است. اگر کسی بیاید و نژاد خود را حاکم بسازد، دیگران را نفی بکند، این فاشیستی است. این خلاف رسوم بین‌المللی است. وی در یکی از سخنرانی‌های معروفش در کابل، پس از اشاره به جایگاه تکثر اقوام در مکاتب مختلف، به اهمیت جایگاه اقوام در اسلام می‌پردازد و بر مبنای

آن می‌گوید: «وقتی اسلام وجود اقوام را در جامعه اسلامی به رسمیت می‌شناسد، چرا باید هزاره بودن جرم باشد؟» نقش داشتن همه اقوام در جهاد علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق، شهید دادن و متحمل شدن خسارات از سوی همگان را یکی دیگر از واقعیت‌های انکارناپذیر می‌داند و بر تقسیم امتیازهای جهاد و پیروزی میان همه جریان‌ها تأکید می‌کند. شهید مزاری، پذیرش این واقعیت را یکی از کلیدهای عبور از بحران وقت معرفی می‌کرد.

ب. انتخابات شفاف و عادلانه

شهید مزاری حکومت عبوری مجاهدین را که به هر نحوی از موعد مقرر خود تجاوز کرده بود، ممثل اراده ملت نمی‌دانست و مضاف بر آن مواجهه دولت با جریان‌های سیاسی را مطابق با واقعیت‌های موجود در کشور ارزیابی نمی‌کرد. شهید مزاری برای برون‌رفت از بحران مشروعیت دولت مرکزی، سهم‌گیری مردم در تعیین سرنوشت و تشکیل حکومت همه شمول، انتخابات ریاست جمهوری را پیشنهاد کرد. انتخابات، نه به عنوان یک شعار دلچسپ که به عنوان یک راه حل واقعی مورد نظر شهید مزاری بود. حزب وحدت اسلامی افغانستان در سخت‌ترین وضعیتی که جنگ تحمیلی نابرابری را تجربه می‌کرد، طرح انتخابات آزاد و شفاف را طرح

”

نقش داشتن همه اقوام در جهاد علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق، شهید دادن و متحمل شدن خسارات از سوی همگان را یکی دیگر از واقعیت‌های انکارناپذیر می‌داند و بر تقسیم امتیازهای جهاد و پیروزی میان همه جریان‌ها تأکید می‌کند. شهید مزاری، پذیرش این واقعیت را یکی از کلیدهای عبور از بحران وقت معرفی می‌کرد.

“

مردم مرعی‌الاجرا است، نهادهای امنیتی در قالب اردو، پلیس و امنیت ملی شکل گرفته و هرگونه رفتار خلاف قانون و منافع ملی را تحت نظر دارند، زنان به مثابه نیمی از پیکره جامعه در عرصه‌های گوناگون فعال‌اند، نسل جدید با اکتساب دانش و دستیابی به تحصیلات جدید، مطالبات کاملاً متفاوتی با نسل گذشته دارد، رسانه‌ها در قالب‌های گوناگون، تمام رخدادهای کشور و جهان را تحت پوشش قرار می‌دهند و با خبررسانی به موقع و جست‌وجوگرانه، بر عملکرد حکومت نظارت می‌کنند. در سوی دیگر، طالبان نشان داده‌اند که از لحاظ ایدئولوژی، تفاوت چندانی با تقریباً بیست سال قبل نکرده و بر همان معیارهای‌شان تأکید دارند. نظام را غیرمشروع، قانون اساسی را کفری، اردوی ملی را تربیت شده کفار، آزادی‌های زنان را ناروا و روشنگری رسانه‌ها را تبلیغات زهرآگین می‌دانند. شنیدن این مسائل از طالبان، به ما می‌فهماند که این گروه، درک درستی از واقعیت‌های جاری افغانستان کنونی ندارد. تا زمانی که طالبان واقعیت متفاوت عینی در جامعه افغانستان را درک نکنند و به همان پندار جهادی‌شان تأکید کنند، دستیابی به صلح ممکن نخواهد بود. رسیدن به صلح پایدار زمانی ممکن است که درک صحیح از واقعیت‌ها در همه اطراف دخیل در بحران کنونی افغانستان باید به وجود بیاید. دولت افغانستان، طالبان، جامعه جهانی و همسایگان افغانستان. یقیناً هرگونه طرح صلحی که واقعیت‌های کنونی جامعه افغانستان را نادیده انگارد، در قدم اول، توفیقی نخواهد داشت و بر فرض تحمیل با اهرم‌های فشار، به صلح پایدار نخواهد انجامید.

دو. انتخابات و صلح پایدار

در شرایط کنونی که برخی جریان‌ها بر تعلیق قانون اساسی، الغای انتخابات و تشکیل حکومت موقت تأکید دارند، متوجه نیستند یا در نادیده‌انگاری این نکته تعمد دارند که: رفتن به طرف حکومت موقت، به معنای دست کشیدن از تمامی دستاوردهای قانونی، مدنی، اقتصادی و سیاسی هفده سال گذشته است. برخی همسایگان، مترصد این فرصت هستند که با از میان رفتن حکومت مرکزی در افغانستان، اهداف سیاسی و اقتصادی‌شان را با خیال آسوده‌تر تعقیب کنند. گروه طالبان هم با به میان آمدن حکومت موقت، خود را صاحب حکومت دانسته و سعی خواهند کرد تمامی معیارها و ارزش‌های مد نظرشان را بر مردم و کشور تطبیق کنند. در این صورت هیچ بعید نیست که گروه‌هایی در جامعه ارزش‌های آنان را بر نتافته و راه مخالفت و عصیان‌گری را در پیش گیرند و در نتیجه سلسله منازعات افغانستان، ادامه یابد. در این شرایط،

بهترین گزینه، برگزاری یک انتخابات شفاف، عادلانه و معتبر است. برای شمول طالبان در انتخابات، می‌توان برای ثبت نام تکت مورد نظر این گروه فرصت فوق‌العاده در نظر گرفت. مضاف بر این، برای اطمینان بیشتر و به منظور افزایش اعتماد و اعتبار انتخابات، ساز و کارهای دقیق نظارتی طبق توافق اطراف، تعیین شود. وقتی طالبان سلاح را بر زمین بگذارند و به جای توسل به کشتار، ارباب و تخریب، به آراء مردم مراجعه کنند، مردم افغانستان، نیز این گروه را علی‌رغم تمام خاطرات بدی که از آن‌ها در ذهن دارند، با آغوش باز خواهند پذیرفت. در این صورت، طالبان هم می‌توانند بدون محدودیت خاصی، خود را در معرض رأی و انتخاب مردم قرار دهند.

سه. حفظ وحدت ملی و صلح پایدار

همه می‌دانیم که گروه طالبان و سایر شبکه‌های تروریستی، مضاف بر خاستگاه ایدئولوژیک، نابسامانی‌های داخلی، ریشه در دخالت‌ها و سیاست‌های سودجویانه و استخباراتی کشورهای منطقه دارند. با یک نگاه گذرا به روند جاری رفت و آمدهای مرتبط با گفت‌وگوهای صلح در می‌یابیم که طالبان، بیش از آن که دغدغه وطن یا ارزش‌های مورد نظرشان را داشته باشند، بیشتر با جهت‌دهی همسایگان ما خود را عیار می‌کنند. در چنین شرایطی، اگر گفت‌وگوهای صلح به مراحل جدی و عملیاتی برسد، در صورتی می‌توان از دستاوردهای ارزشمند مردم افغانستان حراست کرد که در جبهه ضد گروه طالبان و در واقع ملت افغانستان، وحدت هدف و همگرایی عملی وجود داشته باشد.

نتیجه‌گیری:

از آن‌چه تاکنون یاد کردیم، می‌توان به این نتیجه دست یافت: همان‌گونه که راه‌حل‌های پیشنهادی شهید مزاری برای عبور از بحران و دستیابی به صلح و ثبات پایدار در زمان حیات او می‌توانست کاربرد داشته باشند، در شرایط کنونی نیز، نه تنها راه‌حل‌های مناسب که تنها راه‌حل‌های ممکن در این زمینه‌اند. بدون شک، نه با چشم‌پوشی از واقعیت‌های موجود می‌توان به صلح پایدار دست یافت، نه با فرار از انتخابات می‌شود یک صلح مستحکم را بنیاد نهاد و نه بدون وحدت ملی، رسیدن به صلح و ثبات دائمی، میسر خواهد شد. این سه راه‌حل، می‌تواند هم برای زمینه‌سازی صلح و هم برای نهادینه‌سازی فرهنگ صلح در کشور، مفید و ممد واقع شود.